خواننده لس‌آنجلسی در پایتخت بازداشت شد

سامان خواننده لس‌آنجلسی که در سفره خانه‌ای در شمال تهران در حال اجرای آوازخوانی بود از سوی پلیس بازداشت شد.

سرهنگ نادر مرادی، رئیس پلیس اماکن تهران بزرگ در این باره به جام جم گفت: از چند روز پیش گزارش‌هایی در دستور کار پلیس قرار گرفت مبنی براین‌که مردی برای اجرای موسیقی غیرمجاز به صورت زنده در سفره‌خانه‌ای در خیابان ملاصدرا فعالیت می‌کند. ماموران موضوع را بررسی کردند که معلوم شد ماجرا صحت دارد و این خواننده کسی نیست جز یك خواننده لس‌آنجلسی. وی افزود: تحقیقات پلیسی حاکی از این بود که سامان، خواننده لس‌آنجلسی که بعد از ورودش به کشور سال‌ها در تهران زندگی می‌کرده به آن قهوه‌خانه در رفت و آمد است و آواز می‌خواند. با هماهنگی قضایی ماموران برای دستگیری این خواننده به قهوه‌خانه مورد نظر رفتند و او را که در حال اجرای آوازخوانی بود، بازداشت کردند؛ همچنین مالك سفره‌خانه نیز در بازداشت به‌سر می‌برد و سفره‌خانه وی نیز با هماهنگی قضایی پلمب شد.

جزئیات سرقت مسلحانه ۲ کیلو طلا از طلافروش

فاطمه شیخ علیزاده

گروه حوادث

فرار چند سارق نقابدار از یك مغازه طلافروشی و صدای شلیك گلوله. این تمام آن چیزی بود که از چند روز قبل در یك کلیپ ۱۵ ثانیه‌ای در فضای مجازی خبرساز شد.

به گزارش خبرنگار جام جم، امید خمیسی صاحب مغازه طلافروشی که در جریان درگیری مسلحانه با سارقان مجروح شده بود، بعد از عمل جراحی و ترخیص از بیمارستان چند روزی است که در خانه استراحت می‌کند و حال عمومی خوبی دارد.

صبح روز سه‌شنبه بود که امید مثل هر روز به مغازه طلافروشی‌شان در شهرك طالقانی بندر ماهشهر رفت و همان روز بود که باند سارقان مسلح به مغازه آنها حمله کردند. امید ۳۰ ساله درباره روز حادثه گفت: یك مغازه طلافروشی در شهرك صنعتی ماهشهر داریم و مغازه دیگرمان در شهرك طالقانی است. من معمولا در مغازه شهرك صنعتی کار می‌کنم اما آن روز برای انجام کاری کمك پدرم رفتم. حدود ساعت ۱۰ صبح بود که یك مشتری وارد مغازه آنها شد. مشتری‌های مغازه دو خانم بودند که می‌خواستند سرویس طلای عروس و النگو خریداری کنند. اما وقتی امید مشغول نشان دادن طلاها به آنها بود یکدفعه سارقان به مغازه آنها حمله کردند: همه چیز در عرض چند دقیقه اتفاق افتاد. یکدفعه سه سارق که صورتشان را با پارچه پوشانده بودند به مغازه ما آمدند. وی افزود: اتفاقا آن روز عموی من هم جلوی در مغازه مشغول صحبت کردن با چند مغازه‌دار دیگر بود. سارقان دست او را گرفتند و به داخل مغازه کشاندند و شروع کردند به تیراندازی تا ما را تسلیم کنند که در برابر آنها مقاومت نکنیم. همان وقت بود که یك گلوله به پای من و یکی به دست عمویم اصابت کرد. آن دو خانم که مشتری مغازه بودند خیلی ترسیده بودند و از مغازه فرار کردند. سارقان هم از فرصت استفاده و طلاهای مغازه را جمع کردند و با خودشان بردند. آنها بیش از دو کیلوگرم طلا از مغازه سرقت کردند. سارقان مسلح بعد از این‌که از مغازه طلافروشی خارج شدند چند تیرهوایی زدند تا رهگذران مانع دور شدن آنها از محل حادثه نشوند و سپس از مهلکه فرار کردند. صحنه فرار آنها توسط دوربین گوشی همراه یکی از رهگذران ضبط و در فضای مجازی خبرساز شد. بعد از آن، موضوع خیلی سریع به اطلاع ماموران پلیس و اورژانس رسید. پیگیری برای یافتن ردی از سارقان همچنان در دستور کار پلیس قرار دارد.

صحنه سرقت و فرار دزدان مسلح از مغازه طلافروشی

زن آشتی نکرد، همسرش او را ربود

مرد میانسال زمانی که متوجه شد همسرش دیگر حاضر به بازگشت به خانه نیست در اقدامی عجیب او را مسلحانه ربود. متهم همسرش را دست و پا بسته در صندوق‌عقب خودرویش زندانی کرد که شك پلیس، باعث نجات زن جوان شد.

به گزارش خبرنگار جنایی جام جم، چند روز پیش زن میانسالی با حضور در شعبه ششم بازپرسی دادسرای جنایی تهران از شوهرش به اتهام آدم ربایی و ضرب و جرح شکایت کرد.

پس از تشکیل پرونده‌ای در این ارتباط، با دستور بازپرس احسان زمانی، تحقیقات در دستور کار ماموران اداره یازدهم پلیس آگاهی تهران قرار گرفت و شاکی در اظهاراتش گفت: همراه سه فرزندم در یکی از محله‌های خرم‌آباد زندگی می‌کردیم. شوهرم کسب و کارش را از دست داده و دیگر دنبال کار نمی‌رفت و در شرایط بدی زندگی می‌کردیم. رفتارش با من و بچه‌ها خوب نبود. از سوی دیگر حاضر به طلاقم نبود. این درگیری و اختلاف‌ها ادامه داشت تا این‌که یك سال و نیم پیش قهر کرده و به خانه مادرم در تهران بازگشتم.

وی افزود: شبی که شوهرم مرا ربود در خیابان قزوین بودم و به داروخانه می‌رفتم تا قرص‌های مادر بیمارم را از آنجا بخرم که شوهرم ابتدا در خیابان راهم را سد کرده و برایم ایجاد مزاحمت کرد. خواستم از دستش فرار کنم که اجازه نداد و با سلاح شکاری مرا به مرگ تهدید کرد و بعد از آن‌که مرا ربود داخل خودروی پرایدش انداخت و با خودش برد. تهدیدم کرد که اگر سر و صدا کنم جانم را می‌گیرد و بعد اعضای خانواده‌ام را قتل‌عام می‌کند. وقتی از تهران دور شد، در یك منطقه بیابانی توقف کرد. مرا از خودرو پیاده کرد و زیر مشت و لگدهایش گرفت که به‌شدت زخمی شدم. بعد دستان و پاهایم را با طناب و چشمانم را با پارچه‌ای بست و داخل صندوق‌عقب خودرو انداخت و ادامه مسیر داد. ساعاتی در صندوق‌عقب گرفتار بودم و آنقدر شرایط برایم سخت بود که مرگ را مقابل چشمانم دیدم و فقط ازخدا می‌خواستم به خاطر بچه‌هایم به من رحم کند تا زنده بمانم. بعد از ساعاتی صدای آژیر پلیس را شنیدم که ماموری با اخطار از شوهرم می‌خواست که خودرو اش را در حاشیه متوقف کند. این تعقیب و گریز ادامه داشت تا این‌که پلیس خودرو را متوقف کرد. ماموران شوهرم را بازداشت کردند. با فریادهای من یکی از ماموران متوجه ماجرا شد و نجاتم داد. بعد از آن‌که نجات یافتم گفتم که شوهرم مرا ربوده و کتکم زده است. شوهرم بازداشت شد و همانجا بود که فهمیدم در شهر قم هستیم. من نجات یافتم و آمدم تهران تا از شوهرم شکایت کنم. با جمع‌بندی این اطلاعات ماموران موضوع را بررسی کردند که معلوم شد، ماجرا صحت دارد و با تحویل گرفتن مرد آدم‌ربا او برای ادامه تحقیقات به شعبه ششم بازپرسی دادسرای جنایی تهران منتقل شد. متهم در جریان تحقیقات قضایی گفت: من، همسر و بچه‌هایم را دوست دارم. خانه‌ام در خرم‌آباد است. به خاطر این‌که من بعد از بیکار شدن نتوانستم کار درستی پیدا کنم اختلاف و درگیری ما آغاز شد. بعد از آخرین قهر همسرم، افراد زیادی را واسطه کردم تا به خانه برگردد، اما قبول نکرد. به همین خاطر تصمیم گرفتم این بار به زور او را به خانه برگردانم. آن شب با دیدن همسرم در خیابان او را با تهدید سلاح ربودم و حتی کتکش زدم و در صندلی عقب خودرو زندانی‌اش کردم و می‌خواستم به خرم‌آباد برگردم که ماموران به رانندگی‌ام شك کردند و ماجرا لو رفت. همچنین در بازرسی خودرویم یك قبضه سلاح شکاری کشف شد. برای مرد میانسال به اتهام آدم‌ربایی، ضرب و جرح و حمل غیرقانونی سلاح شکاری قرار قانونی صادر و او برای ادامه تحقیقات به پلیس آگاهی منتقل شد.

بازداشت سارقان دفتر نمایندگی مجلس اعلای عراق

دو مرد که نیمه‌شب به دفتر نمایندگی مجلس اعلای کشور عراق در تهران دستبرد زده و پول، طلا و دلار به ارزش ۴۰۰ میلیون تومان سرقت کرده بودند، بازداشت شدند.

به گزارش خبرنگار جنایی جام جم، روزهای پایانی آذر امسال، مدیر دفتر نمایندگی مجلس اعلای کشور عراق همراه وکیل خود با حضور در شعبه چهارم دادیاری دادسرای ناحیه ۳۴ تهران، شکایتی را مطرح کردند که نشان می‌داد دفترشان مورد سرقت قرار گرفته و ۳۰۰ تا ۴۰۰ میلیون تومان خسارت به آنها وارد شده است. با تشکیل پرونده قضایی و با دستور عبدالسعید مدرس، دادیار پرونده، آغاز تحقیقات در دستور کار ماموران اداره هفدهم پلیس آگاهی تهران قرار گرفت. در جریان تحقیقات پلیسی، شاکی پرونده گفت: روز شنبه همراه مدیر دفترم وارد ساختمان اداری شرکت در محله شریعتی تهران شدیم، ناگهان متوجه بوی گاز از آبدارخانه شدیم و شیلنگ گاز بریده شده و گاز همه جا را فراگرفته بود و اگر چراغی روشن می‌کردیم کل ساختمان منفجر می‌شد. گاز را بسته و پنجره‌ها را باز کردیم. کمی اتاق‌ها به‌هم ریخته بود و ماجرا مشکوك به نظر می‌رسید. به دفترم در طبقه سوم رفتیم که دیدم در ورودی آنجا تخریب شده و طلا و پول و دلارهایی که در دفترم داشتم، سرقت شده است.

وی افزود: این همه ماجرا نبود و همه اتاق‌ها به هم ریخته بود و علاوه بر آن همه کلیدهای یدك اتاق‌ها و گاوصندوق سرقت شده بود. به اتاق حسابداری رفتیم که متوجه باز کردن در گاوصندوق و سرقت پول و طلا از داخل آن شدیم. دزدان در این ماجرا، نیم‌کیلو طلا و ۲۱ هزار دلار به ارزش ۳۰۰ تا ۴۰۰ میلیون تومان سرقت کردند. در این مرحله تیم تحقیق پلیس آگاهی وارد دفتر نمایندگی مجلس اعلای کشور عراق در تهران شدند و محل را بررسی کردند. آنها در بازبینی دوربین مداربسته محل به تصاویری دست یافتند که نشان می‌داد، سارق ساعت ۲ صبح روز قبل به آنجا رفته و در حالی که سر و صورت خود را با پارچه بسته بوده وارد ساختمان شده و با کلیدهای یدك اتاق‌ها را بازکرده و با ورود به آنجا و برهم زدن اتاق‌ها، ارز و طلا سرقت کرده و دو ساعت بعد از آنجا بیرون آمده و همراه همدستش فرار کرده بودند. با کشف این سرنخ، روند رسیدگی به پرونده وارد مرحله جدیدی شد. با توجه به بررسی‌های لازم، ماموران به سرنخ‌هایی دست یافتند که نشان می‌داد سارق و همدستش باید آشنایی کامل با محل سرقت داشته باشند، چرا که چهره خود را پوشانده بوده و فقط سراغ اموال خاصی رفته که می‌دانستند در کجا نگهداری می‌شود و بعد از سرقت به آبدارخانه دفتر رفته و گاز آنجا را بازگذاشته تا باعث انفجار شود. جست‌وجوها در این باره ادامه داشت تا این‌که دو روز پیش ماموران رد دو مرد آشنا را که به دفتر ساختمان در رفت و آمد بودند و با مسؤولان آنجا همکاری داشتند به دست آوردند و آنها به عنوان مظنون در این سرقت بازداشت شدند. آنها با انتقال به اداره هفدهم پلیس آگاهی تهران منکر هرگونه نقش داشتن در این سرقت شدند اما شواهد پلیس نشان می‌دهد که در ماجرا نقش دارند و تحقیقات تکمیلی از آنها در پلیس آگاهی ادامه دارد

متهمان شیرگاز آبدارخانه دفتر را بازگذاشته بودند تا بعد از سرقت آنجا منفجر شود

قصاص فرجام جنایت به سبك سریال ستایش

معلم هنر که با همدستی دختر مورد علاقه دوران مجردی‌اش شوهر او را با سلاح شکاری از پای درآورده بود، با رای دادگاه به قصاص محکوم شد. قضات دادگاه زن جوان را هم به تحمل ۱۵ سال حبس محکوم کردند.

به گزارش خبرنگار جام جم، ۲۸ بهمن ۹۵، با اعلام گزارش شاهد عینی ماجرا، رسیدگی به پرونده قتل مردی جوان که در اتوبان آزادگان با سلاح شکاری به قتل رسیده بود، آغاز شد.

در جریان تحقیقات، ماموران به همسر مقتول که الناز نام دارد مظنون شدند. او که به بهانه پنچر شدن ماشینش همسرش را به اتوبان کشانده بود پرده از راز جنایت هولناك خود برداشت و گفت: چند وقت قبل صفحه اینستاگرام مرد مورد علاقه دوران مجردی ام را دیدم و دوباره با او ارتباط برقرار کردم. او که با یك خانم دکتر ازدواج کرده، می‌گفت همسرم فرهاد را می‌شناسد و از او بدگویی می‌کرد و می‌گفت فرهاد هرزه است. حرف‌های او من را نسبت به همسرم بدبین کرد و تصمیم گرفتم با کمك شهاب، فرهاد را به قتل برسانم. بعد از اعترافات الناز، شهاب دستگیر شد و در اعتراف به قتل گفت: روز حادثه الناز به بهانه پنچر شدن ماشینش، همسرش را به اتوبان کشاند و من به او شلیك کردم.

متهمان بعد از تکمیل تحقیقات مقدماتی، در دادگاه کیفری یك استان تهران محاکمه شدند. پدر و مادر فرهاد به عنوان اولیای دم تقاضای قصاص متهم را کردند. همچنین پدر فرهاد به عنوان ولی قهری فرزند مقتول، از جانب او نیز تقاضای قصاص کرد.

شهاب در دفاع از خود در دادگاه گفت: اتهامم را قبول ندارم. من فقط یك تیر به فرهاد شلیك کردم که آن هم در جریان کشمکش با او به طور ناخواسته اتفاق افتاد. الناز که با اتهام معاونت در قتل روبه‌روست، در دفاع از خود گفت: اتهامم را قبول ندارم. من همسرم را دوست داشتم و نمی‌خواستم آسیبی به او برسد. حتی یك بار شهاب یك پودر کشنده به من داد که به فرهاد بخورانم و او را بکشم اما قبول نکردم.

قضات دادگاه بعد از مشورت، الناز را به تحمل ۱۵ سال حبس و شهاب را به قصاص نفس محکوم کردند.

۲ کشته و ۳ مصدوم در تصادف بزرگراه

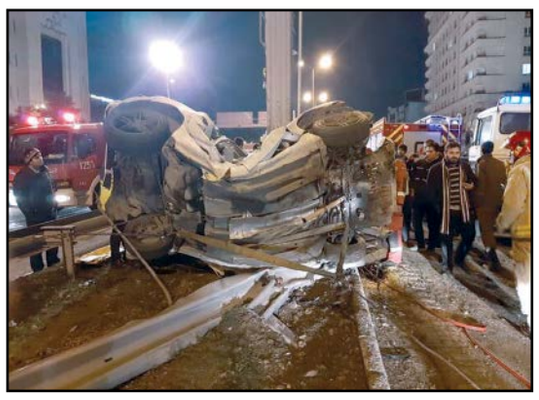

خودروی پژو ۲۰۶ به انگیزه‌ای نامعلوم با گاردریل بزرگراه نیایش برخورد کرد که منجر به مرگ دو نفر و مصدومیت سه نفر دیگر منجر شد.

جلال ملکی، سخنگوی سازمان آتش‌نشانی شهرداری تهران به جام جم گفت: ساعت ۸ دقیقه بامداد جمعه چهارم بهمن امسال، خودروی پژو ۲۰۶ به دلیل نامعلوم با گاردریل کناری بزرگراه در مسیر غرب به شرق بزرگراه نیایش تصادف کرد. زمانی که آتش‌نشانان دو ایستگاه برای امدادرسانی در آنجا حاضر شدند، مشاهده کردند که خودرو با یك دستگاه و پایه‌های چراغ‌های روشنایی برخورد کرده و واژگون شده است.

وی افزود: از پنج سرنشین این خودرو که دو خانم و سه مرد جوان بودند، دو مرد جوان که برادران دوقلوی ۲۶ ساله بودند، کشته و یك مرد و دو زن نیز مصدوم شدند. اجساد به پزشکی قانونی و مصدومان در بیمارستان بستری شدند. تحقیقات درباره علت این تصادف از سوی پلیس راهور ادامه دارد.

اعدام مجازات آزار شیطانی زن جوان در پارك

مرد جوان که در بوستان نهج‌البلاغه، زنی را مورد آزار و اذیت قرار داده بود، با حکم دادگاه به اعدام محکوم شد.

به گزارش خبرنگار جام جم، اردیبهشت امسال زن ۴۵ ساله به نام مژگان با مراجعه به کلانتری باغ فیض ادعا کرد مورد آزار و اذیت مردی ناشناس در بوستان نهج‌البلاغه قرار گرفته است. مژگان در طرح شکایت خود به ماموران گفت: «نزدیك ظهر بود و در حال عبور از پارك بودم که یك مرد ناشناس صدایم زد و به بهانه پرسیدن آدرس من را به حرف گرفت. می‌گفت تازه به تهران آمده و از من خواست مسیر رسیدن به شرق تهران را برایش توضیح دهم. در حال آدرس دادن به او بودم که یك دفعه دور و اطرافش را نگاه کرد و وقتی مطمئن شد کسی در آن اطراف نیست، چاقویی از جیبش درآورد و یقه‌ام را گرفت و من را با تهدید چاقو روی زمین کشید و به جای خلوتی در همان پارك برد. می‌گفت اگر صدایت در بیاید تو را تکه‌تکه می‌کنم. بعد هم با تهدید چاقو من را مورد آزار و اذیت قرار داد.» در حالی که پزشکی قانونی آزار و اذیت زن جوان را مورد تایید قرار داده بود؛ تلاش برای یافتن ردی از متهم در دستور کار پلیس قرار گرفت، اما زن جوان هیچ نشانی از مرد ناشناس در دست نداشت. برای همین مژگان به کمك دوستانش تصمیم گرفتند در کنار پلیس گشت منطقه، برای پیدا شدن متهم تلاش کنند. بالاخره نزدیك دو هفته بعد از حادثه، متهم توسط شاکی در حوالی پارك شناسایی شد و او را تحویل ماموران پلیس دادند. متهم که جوانی ۳۰ ساله به نام سلمان است به اتهام خود اعتراف کرد و گفت: «اولین بار است به تهران می‌آیم و برای کارگری آمده بودم. روز حادثه در پارك مشغول استراحت بودم که یك دفعه چشمم به یك خانم افتاد و یکدفعه وسوسه شدم که او را مورد آزار و اذیت قرار دهم. بعد هم با تهدید چاقو نیت خود را عملی کردم.»

با اعتراف متهم و ثبت شکایت شاکی، پرونده برای رسیدگی به شعبه یازدهم دادگاه کیفری یك استان تهران ارجاع شد. متهم در دادگاه اتهام خود را انکار کرد و گفت: «من این زن را نمی‌شناسم. یك روز او و دوستانش جلوی من را گرفتند و نمی‌دانم، چرا پلیس خبر کردند و من را تحویل ماموران دادند. بعد هم من تحت فشار به آزار و اذیت او اقرار کردم.»

با توجه به دلایل و قرائن موجود در پرونده، قضات دادگاه بعد از رسیدگی به پرونده؛ متهم را به اعدام محکوم کردند.

تلنگر

ربودن پسر خردسال سر مواد

دو مرد که در جریان اختلاف برسر معامله مواد مخدر پسر ده ساله‌ای را ربوده بودند، بازداشت شدند و گروگان نجات یافت.

سردار کیومرث عزیزی، فرمانده انتظامی ویژه شرق استان تهران به پایگاه خبری پلیس گفت: شامگاه پنجشنبه سوم بهمن امسال وقوع ربوده شدن پسر ده ساله از سوی سرنشینان یك دستگاه پراید در شهرستان پاکدشت، تحقیقات پلیسی آغاز شد و سرانجام ماموران توانستند مخفیگاه آدم‌ربایان را در شهرستان قرچك شناسایی و آنها در کمتر از ۵ ساعت بازداشت شدند و گروگان نجات یافت . متهمان دستگیر شده دارای نسبت فامیلی با خانواده پسر ربوده شده بودند و به دلیل اختلاف بر سر مواد مخدر دست به این کودك‌ربایی زدند.

یك کشته در انفجار مین

انفجار مین در غرب کرخه شوش به مرگ پدر خانواده و زخمی شدن سه عضو دیگر خانواده وی منجر شد.

علی مقدمیان، رئیس اورژانس شوش به ایرنا گفت: این افراد از عشایر منطقه بودند. پدر ۳۰ ساله خانواده و کودکان او که دو ، شش و ۱۱ ساله بودند، شامگاه پنجشنبه در روستای فرحان کبر ناگهان پایشان روی مین باقیمانده از جنگ تحمیلی بود رفت که باعث انفجار مین شد. پدر فوت و فرزندانش مصدوم شدند.

هلاکت شرور در شرق کشور

شرور معروف جنوب استان سیستان و بلوچستان در جریان تعقیب و گریز پلیسی به هلاکت رسید.

گل‌محمدی، دادستان ایرانشهر به میزان گفت: پیرو گزارش‌هایی مربوط به سرقت‌های مسلحانه توسط یك شرور به پلیس تحقیقات در این باره آغاز شد. روز دستگیری زمانی که اموال سرقتی همراهش بود و خود را در محاصره ماموران اداره اطلاعات شهرستان ایرانشهر یافت برای فرار به سمت ماموران تیراندازی کرد. در تیراندازی متقابل پلیس به هلاکت رسید.

وی افزود: از او چند قبضه سلاح جنگی و مهمات و چند عدد نارنجك جنگی کشف شد. شرور کشته شده دارای سوابق متعدد کیفری از جمله چند فقره قتل، آدم ربایی، چندین فقره سرقت مسلحانه، حمله به خودروهای گشتی انتظامی شهرستان و شهادت ماموران انتظامی و زخمی کردن چند نفر از پرسنل انتظامی، شرارت‌های متعدد و ایجاد ناامنی در شهرستان‌های دلگان، بزمان، فنوج، بمپور و ایرانشهر بود.

۳ کشته در آتش‌سوزی کارگاه

آتش‌سوزی در کارگاه غیرمجاز تولید درزگیر خودرو در واحد مسکونی در ملارد، سه کشته برجای گذاشت.

جمال نادری‌پور، رئیس سازمان آتش‌نشانی شهرداری ملارد به فارس گفت: آتش‌سوزی یك واحد مسکونی در منطقه مطهری غربی سرآسیاب، به آتش‌نشانی گزارش شد و آنها به آنجا اعزام شدند. آتش گسترده ابر و فوم‌های موجود در کارگاه ۴۰ متری سه نفر شامل دو زن ۲۵ و ۴۰ ساله و یك مرد ۳۲ ساله که در آنجا کار می‌کردند را در برگرفته و باعث مرگ آنها شده است. در ادامه شعله‌های آتش را خاموش کردند.

قتل شوهر بعد از دعوای خانوادگی

زنی که به دلیل اختلافات خانوادگی همسرش را در فردیس به قتل رسانده بود، بازداشت شد.

سرهنگ بیژن جنتی، فرمانده انتظامی شهرستان فردیس به جام جم گفت: یك ماه پیش مرد ۳۵ ساله‌ای از خانه‌اش بیرون آمد و ناپدید شد. از آن موقع مادر او و همسر فرد گمشده با حضور در کلانتری ۱۱ مرکزی شهرستان فردیس ماجرای ناپدید شدن وی را اطلاع دادند. وی افزود: این در حالی بود که تحقیقات بعدی پلیسی نشان می‌داد مرد جوان یك روز قبل از ناپدید شدن با زنش دوباره بر سر مسائل خانوادگی دعوا کرده و همسایه‌ها صدای دعوایشان را شنیده‌اند. چند روز پیش او برای تحقیقات به کلانتری منتقل شد که در جریان تحقیقات با اعتراف به قتل شوهرش گفت که از ابتدای ازدواج با همسرش اختلاف داشته و طبق معمول در شب حادثه با او درگیری لفظی پیدا کرده و بعد از آن وی را کشته و با صحنه‌سازی می‌خواسته وانمود کند وی گمشده است.